

زمینه، تضمین تداوم حیات منظرین

دگرگونی رویکرد طراحی پروو از پاریس تا لندن



ریحانه حجتی، کارشناس ارشد
معماری منظر، دانشگاه تهران.
reyhane.hojjati@yahoo.com



زهره شیرازی، کارشناس ارشد
معماری منظر، دانشگاه تهران.
zohreshirazi@yahoo.com

چکیده: زمینه‌گرایی از رویکردهای پست مدرن در طراحی از جمله در معماری منظر و فضاهای عمومی و شهری به شمار می‌رود؛ به طوری که فضا بدون بافت اطرافش بی‌ارزش تلقی می‌شود. در بین معتقدان به زمینه‌گرایی، در این که کدام بخش زمینه پررنگ‌تر و برجسته‌تر است، اختلاف نظر وجود دارد و معماران هر کدام مطابق برداشت متفاوتشان از زمینه‌گرایی طرح‌هایشان را متبلور می‌سازند. در این بین، عده‌ای تاریخ سایت، عده‌ای مردم و فرهنگ حاکم بر بستر طرح، و گروهی کالبد و همجواری‌ها را مهم می‌دانند. به بیان دیگر در زمینه‌گرایی به جزئی بیشتر بها داده می‌شود که به نوعی سهمی در زنده نگه‌داشتن خاطره جمعی داشته‌باشد و این در معماری منظر به واسطه حضور چندوجهی‌اش در زندگی فردی و جمعی مخاطب، ارزش بیشتری پیدا می‌کند.

در پروژه‌های «آلن پروو»، مفهوم زمینه‌گرایی فراتر از عوامل کالبدی زمینه، شکل می‌گیرد. او زمینه را به مثابه رویداد تاریخی می‌پندارد که وجوه اجتماعی و فرهنگی زندگی نیز بر آن تأثیر گذاشته و در کالبد نمود پیدا می‌کند. به بیان دیگر، زمینه در کار او به صورت ترکیبی از عوامل کالبدی، تاریخی و اجتماعی ظاهر می‌شود.

این نوشتار بر آن است که با تحلیل رویکردهای آلن پروو، نظریه زمینه‌گرایی وی را از ورای مقایسه تطبیقی در طراحی دو پارک لاکورنو و سد تیمز که به ترتیب اولین و آخرین پروژه‌های طراحی شده‌ی وی هستند را مورد نقد و بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: آلن پروو، زمینه‌گرایی کالبدی، تاریخ‌گرایی، زمینه‌گرایی فرهنگی اجتماعی، پارک لاکورنو، پارک سد تیمز.



تصویر ۲

Pic 2



مقدمه

◀ پروو با طراحی پارک سیتروئن در قلب پاریس و رویکرد ویژه زمینه‌گرایی و با پیوند فضای پارک با شهر، محله و بستر طرح، نخستین پارک شهری پست‌مدرن را طراحی و به شهرت جهانی رسید. زمینه‌گرایی از بحث‌های مهم در فلسفه پست‌مدرن است. زمینه به عنوان عاملی هویت‌بخش به هر اثر معماری، با توجه به جغرافیا، تاریخ و فرهنگ هر سرزمین، بیان می‌شود. تکامل رویکرد زمینه‌گرایی منظر، در پروژه‌های پروو، از دهه ۷۰ در پارک لاکورنو تا سیتروئن و در ۲۰۰۲ در پارک سد تیمز لندن، دیده می‌شود. در کار او استفاده از المان‌ها و عناصری که به ماندگاری مردم در فضای منظرین کمک کند، با توجه به میزان خاطره‌انگیزی‌اش در ذهن کاربران و توانایی آن عنصر در جذب جمعیت، مهم‌تر از عناصری است که صرفاً تاریخی محض هستند. البته این رویکرد با گذشت زمان دارای سیر تکاملی است و در هر پروژه با توجه به ویژگی خاصش و خواسته‌های کارفرما متفاوت می‌شود. ادامه رویکرد زمینه‌گرایی پروو در این دو پروژه بررسی می‌شود.

زمینه‌گرایی و معماری منظر

زمینه‌گرایی در سه زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی-فرهنگی، فراتر از ابعاد صرفاً کالبدی، از دیدگاه‌های رایج در دهه‌های اخیر است که مفهوم مکان را جایگزین واژه فضا می‌کند. زمینه‌گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه‌های معین است که در آن یک اثر معماری با نظام بزرگ‌تر شهری مرتبط است و در سلسله مراتبی از مجموعه‌ها، تداوم تاریخی را به گفته راب کریر "هر آنچه در شهر انجام می‌شود باید به لحاظ شکلی، پاسخی به شرایط فضایی از قبل موجود باشد" منجر می‌شود (تولایی، ۱۳۸۰).

"زمینه‌گرایان اجتماعی-فرهنگی معتقدند که فرهنگ مردم قواعدی را می‌آفریند که شکل ساخته‌شده بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان بینی و نظام‌های نمادی مشترک، به محیط معنا می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند" (Rapaport, 1977: 6). پس از تحولات موسوم به پست‌مدرن، اصطلاح زمینه‌گرایی خود را همچون اغلب ایده‌های برگزیده در معماری، به نمایش‌های سبکی متصل ساخت. زمینه‌گرایی به این امر پرداخت که ساختمان‌های آجر قرمز در محلاتی که آجر قرمز دارند ساخته شود و بناهای پرتزئین با هم هماهنگ شوند (شاپان و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۴). در نگاهی دیگر، بخش مهمی از فرهنگ ما دارای تغییر مهمی در اجرا و شکل‌گیری است و پست‌مدرن؛ فرضیات، تجربیات و قضاها را مشخص می‌سازد. پست‌مدرنیسم فرم‌های زیبایی‌شناسی جدید را نشان نمی‌دهد، بلکه از فرم‌های مدرنیته در محتوایی فرهنگی استفاده می‌کند (سوافیلد، ۱۳۹۰: ۱۸۸).

با توجه به اینکه "نظریه معماری نه فقط موقعیتی است و به طور ضمنی تاریخی و مشهود است، بلکه موقتی نیز هست. معماری منظر، معنوی‌گرا نیست یا در خصوص جهان‌های مطلق نیست. معماری منظر معنای فرم و ساختار را در منطقه پیدا می‌کند. منظر منتظر رسیدن موضوع معماری نیست بلکه منطقه و زمین قبل از اجرای طرح بیان می‌شود" (همان: ۱۸۶). در واقع در معماری منظر به واسطه ارتباط ناگسستنی با زمینه، جامعه و تاریخ، زمینه‌گرایی در تمام پروژه‌ها به صورت ناخودآگاه جاری است. تنها میزان و شیوه توجه و برخورد با زمینه است که در پروژه‌های مختلف صورت‌های متفاوت به خود می‌گیرد. واژه روح مکان (genius loci) یا زمینه در ارتباط با معماری منظر، برای اولین بار توسط الکساندر پوپ^۱ در نامه‌ای به کنت برلینگتون (Earl of Burlington) مطرح شد که معنایی چندوجهی همچون جوهره، معنا، اکوسیستم، شخصیت، تمایزات محلی را القا می‌کند. از سوی دیگر، معماری منظر به عنوان یک علم، فقط از طریق زمینه اجتماعی درک می‌شود و رابطه بین انسان‌ها با یکدیگر و با زمین را در زمانی مشخص بیان می‌کند. زمینه‌گرایی در منظر را بر اساس میزان اهمیت توجه به بستر طرح برای خلق فضایی که بتواند هم کاربردی باشد و هم زیبایی داشته‌باشد. یک معمار منظر در مرحله اول نیاز به فهمیدن و درک مکانی دارد که تغییر و ناثباتی جزئی از آن است. آنها دست کم باید عواملی نظیر اجتماع، اقتصاد، زمین‌شناسی، اکولوژی و اقلیم را مورد بررسی قرار دهند (Harvey, 2005: 61).

آلن پروو از آغاز تا اکنون پارک لاکورنو

پارک جورج والبن (Georges Valbon park) یکی از ۵ بخش پارک جنگلی بزرگی واقع در شمال شرق شهر پاریس می‌باشد که به پارک دپارتمان لاکورنو (Parc Départemental de la Courneuve) معروف است. این پارک با مساحتی حدود ۳۰۰ هکتار در



تصویر ۱

Pic 1

تصاویر ۲ و ۳: فضای خیالی از ترکیب برکه‌ها، تپه‌های مخروطی سبز و مسیرهای مارپیچ چوبی در کنار هم در پارک کورنو، عکس: سیده نفیسه موسویان، ۱۳۹۰ و Racine, 2004.

تصویر ۱: کروکی‌های اولیه پروو برای شکل‌دهی اراضی بالادست پارک. مأخذ: Provost, 2000.

Pic1: Provost's initial sketches for upper land in Courneuve Park. Source: Provost, 2000.

Pics2&3: Imaginary space of the combined pool, green conical hills and winding paths of wood together in the Courneuve Park. Photo by: Seyedeh Nafiseh Mousavian, 2012, and Racine, 2004.



تصویر ۲

Pic 3

کشتزارهای غلات واقع در منطقه Plaine de France، در فاصله ۱۰ کیلومتری از مرکز شهر پاریس توسط آلن پروو (برنده مناقصه طراحی پارک از طرف دپارتمان سن^۲ در ۱۹۷۲ طراحی شد. از معضلات طراحی در این سایت عبور ریل قطار در امتداد یک خط شرقی غربی و یک کانال بزرگ جمع‌آوری فاضلاب در خط شمالی جنوبی و همچنین عبور یک بزرگراه از غرب بود که باعث شد بعدها طرح آن نیمه‌کاره رها شود (تصویر ۱).

از خواسته‌های مورد تأکید کارفرما در این پروژه، کنار گذاشتن الگوی شهرسازی رسمی هوسمان^۴ و ایده گرفتن از طرح‌های غیررسمی و رایج باغسازی دهه ۶۰ میلادی در فرانسه که توسط طراحان آلمانی انجام شده بود و همچنین احیای خاک سایت و در نظر گرفتن محلی برای دفن زباله‌های شهری و استفاده از توپوگرافی سایت در طرح بود.

از برنده مسابقه، آلن پروو، خواسته شد تا با همکاری ژیلبرت سامل^۵ که طرحش تا حدودی خواسته‌های کارفرما را در برمی‌گرفت، پروژه پارک لاکورنو را انجام دهد (تصویر ۲).

سایت پروژه، زمینی مسطح بود که پروو مسئولیت طراحی دره^۶ وسیع شمالی جنوبی (حدود ۳۰۰ هکتار) در ادامه پارک بزرگ اصلی (حدود ۸۰۰۰ هکتار) را برعهده گرفت. طبق خواسته کارفرما، استفاده از توپوگرافی موجود، از مسایل مهم محسوب می‌شد. یکی از مزیت‌های طرح، استفاده از شیب نزولی زمین برای دفع خودبخودی زباله‌ها بود. برای احیای مجدد خاک و ایجاد بستر مناسب برای رشد گیاهان و همچنین ایجاد تپه‌های مصنوعی حدود ۱۵ میلیون متر مکعب خاک (۶ برابر حجم خاک هرم خنوپس^۷) از نواحی مختلف پاریس به سایت حمل شد (Seine-Saint-Denis, 2008; Conrad, et al. and Racine, 2011).

در این پارک سه دریاچه مصنوعی به شکل کاملاً ارگانیک طراحی و مسیرهای مارپیچ با کفپوش چوبی اتصال‌دهنده دریاچه‌ها با تپه‌های سبز انباشته از زباله‌های شهری موجود در سایت به وجود آمده‌اند (تصاویر ۳ تا ۵). تپه‌های سبز در حکم نظرگاهی است که دسترسی به بالای آن از طریق پلکانی از جنس قله‌سنگ‌های موجود در سایت امکان‌پذیر است. در کنار آن پروو با برخوردی مجسمه‌گونه میان یکی از دریاچه‌ها، تعدادی جزیره با طرح کاشتی بیشه‌مانند را تعبیه کرد. در واقع فضایی خیالی از ترکیب برکه‌ها، تپه‌های مخروطی سبز و مسیرهای مارپیچ چوبی را شکل داده است که بیشتر فضاهای بدیع باغ‌های انگلیسی و کتاب‌های کودکان را به خاطر می‌آورد (تصاویر ۶ و ۷).

پارک سد تیمز

پارک سد تیمز^۷ نخستین پروژه پست‌مدرنیستی عظیم در شهر لندن است که با هدف احیای لنگرگاه شهر و تحول در بافت فرسوده جنوب لندن ساخته شد و از زمانی که در اواخر ۲۰۰۰ میلادی افتتاح شد، برنده جوایز بسیاری از قبیل جایزه انجمن معماران سلطنتی بریتانیا (RIBA)، موسسه معماری آمریکا (AIA) و جایزه ملی امپراطوری انگلستان برای طراحی در منظر شده است.

طراحی این پارک به گروه طراحی فرانسوی «ساینز» (GroupeSignes) به سرپرستی آلن پروو و همکاری معمار لندنی پاتل تیلور^۸ واگذار شد. زمین این پروژه تا دهه ۶۰ میلادی سایتی صنعتی بود. در ۱۹۹۵ میلادی، زمین سایت توسط شرکت توسعه زمین‌های لنگرگاهی شهر لندن (LDDC)، خریداری شد و برنامه‌ریزی این پارک مطابق سیاست‌های این شرکت، مبتنی بر اینکه سرمایه‌گذاری برای یک پارک عمومی شهری باید در نقش کاتالیزور برای توسعه فعالیت‌های خصوصی خرد مجاور آن منطقه باشد، انجام شد. در همان سال، شرکت LDDC، اولین قدم برای پروژه‌ای که شامل دو فاز بود را برداشت؛ فاز اول، احیای ۹ هکتار از سایت متروکه و مسموم پسا صنعتی و فاز دوم ساخت یک پارک شهری بر بالای آن، هدف طراحی یک پارک عمومی با حفظ ارزش‌های وابسته به شهر و سایت عنوان شد (تصویر ۸).

پارک سد تیمز که به دلیل مجاورت با رودخانه تیمز این نام را به خود گرفته است، دارای طرحی با پلان مربع است که نواری مورب از میان آن گذشته و حدود ۵ متر از سطح پارک پایین‌تر رفته است، در نتیجه این اقدام، خندقی در میان پارک به وجود آمده که دارای طرح کاشتی متفاوت با کل پارک و به صورت نوارهایی از ترون هرس شده و گل‌های وحشی رنگارنگ است. بقیه پارک را سطوح وسیع چمن‌کاری شده با درختکاری پراکنده تشکیل می‌دهد (تصاویر ۹ و ۱۰).

در پارک استفاده از مصالحی چون بتن و چوب در سطوح وسیع و با رویکرد مینیمال، تا حدی حال و هوای پارک‌های مدرن را در ذهن تداعی می‌کند. زمین آلوده سایت دارای دید مناسبی به سمت رودخانه تیمز است. برای مثال قسمت وسیعی که علفزار است، با دیدهای باز و بسته به رودخانه تیمز از بین شاخه درختان، فضاهایی غیر رسمی به وجود می‌آورد که هر کسی فضای خصوصی خودش را در آن پیدا می‌کند (تصاویر ۱۱ و ۱۲).

آلن پروو و زمینه‌گرایی

در نگاه پروو زمینه‌گرایی معنایی فراتر از توجه به ویژگی‌های کالبدی را پیدا می‌کند. اگر زمینه‌گرایی وی را فقط در ویژگی‌های کالبدی و تاریخی بستر خلاصه کنیم، انتظار می‌رود پارک لاکورنو با حال و هوای باغ‌های رسمی فرانسوی و پارک سد تیمز با نگاهی به باغ‌های رومانیتیک انگلیسی دیده‌شود. حال آنکه پارک لاکورنو با حال و هوای بیشه‌مانند بیشتر یادآور منظرپردازی انگلیسی است و یا استفاده از پلان هندسی و مربع شکل در پارک سد تیمز و توپوگرافی‌های موجود در آن را نمی‌توان براساس منظرپردازی آزاد انگلیسی توجیه کرد. پروو تأکید دارد که سنت‌ها با ارزش‌های مدرنیته تطبیق داده شود و پیشنهاد می‌کند که مدرنیته در ادامه روند سنت با در نظر گرفتن ریشه‌های فرهنگی اشخاص متفاوت، بهینه شود (Harvey, 2005: 61). برای او آنچه فرایندهای اجتماعی و طبیعت در طول سالیان در محل نهاده‌اند، بسیار اهمیت دارد؛ به طوری که از اولین تا آخرین پروژه او شاید کالبد بستر دستخوش تحولات چشمگیر شده باشد اما نگاه مردمی و ایجاد فضایی برای آنها و بستر طبیعی آن همواره اهمیت داشته است.

در پارک لاکورنو که از پروژه‌های نخست پروو به شمار می‌رود، بیشتر توجه طراح معطوف به بهسازی زمین‌های آلوده به زباله و ایجاد زیست‌بومی مناسب بوده است. پروو با آرایه طرحی آزاد و خلاقانه، توانست مسئولیت طراحی پروژه را بر عهده بگیرد. ساخت تپه‌ها و دریاچه مصنوعی که هزینه زیادی را به کارفرما تحمیل کرد، در نگاه اول غیر منطقی و برخلاف زمینه‌گرایی به نظر می‌رسد. در این طرح، توجه پروو بیشتر معطوف به زمینه طبیعی سایت شد که طراحی بیشه‌ای آن مغایر با الگوی کاشت منظم تاریخ باغسازی فرانسه است. وی همچنین گذشته سایت (محل دفن زباله‌ها) را نیز نادیده گرفت و پارکی طراحی کرد که طرحی مدرن دارد و ردپای او به عنوان طراح در ساخت احجام خالص، خطوط مورب و یا ایجاد نظرگاه در پارک دیده می‌شود.

اما پروو در پارک سد تیمز در زمینه بیگانه‌سازی برای مخاطبان بیگانه طراحی کرد. این پارک با پلان مربعی شکل ساده‌اش و مصالح و جزئیات در نگاه اول، نه یک باغ سنتی انگلیسی

آلن پروو بر تطبیق سنت‌ها با ارزش‌های مدرنیته تأکید دارد و پیشنهاد می‌کند که مدرنیته در ادامه روند سنت با در نظر گرفتن ریشه‌های فرهنگی اشخاص متفاوت، بهینه شود و در طول دوران فعالیت حرفه‌ای‌اش در بسترهای مختلف بر این اصل استوار است.

بلکه، نمونه تازه یک پارک مدرنیستی معاصر است. با این حال فضاهای غیرفرمال روی زمین مسطح، یادآور دشت‌های بکر پارک جنگلی^۹ در شمال شهر لندن و طرح کاشت پارک، تا حدی یادآور پارترهای منظم باغ کیو^{۱۰} در غرب شهر لندن است و نشان‌دهنده اینکه طراح در پروژه اخیر خود رویکردی پست‌مدرنیستی اتخاذ نموده است. همچنین موقعیت پارک در کنار پهنه وسیعی از رودخانه تیمز، تأثیر زیادی در احساس صلح، گشادگی و آزادی‌ای دارد که به ندرت در پهنه شهرهای مهم مرکزی دیده می‌شود (Barker, 2002). محدود کردن زمینه‌گرایی پروو به ویژگی‌های تاریخی، می‌تواند تعریف‌کننده بخش‌هایی از پارک باشد. خندق سبز پارک، یادآور دوره صنعتی و اسکله خشک با دیوارهای بلند بتنی به ارتفاع ۵ متر، نشانی از مقیاس و عمق پیشین سازه بارانداز است که برخلاف ظاهر خشن و سردش، برای باغ رنگین‌کمان که شامل یک سری نوارهای موازی از مسیرها و درختان است، خرداقلیم سرپوشیده ایجاد کرده است. برخورد مجسمه‌وار پروو با طراحی منظر در پارک سد تیمز، رنگی تاریخی و فرهنگی به خود گرفته است و وی تلاش می‌کند با اشارات مستقیم و غیر مستقیم، مکان و زمینه را بازتاب نماید.

در این دو پارک خاطر جمعاً با تکیه بر فرهنگ و زندگی اجتماعی به عنوان بخشی از زمینه ایجاد شده است. همچنین پروو به خوبی آگاه است که زمینه گاه فراتر از کالبد و تاریخ، به فرهنگ مردم و مخاطبان برمی‌گردد. برای انسانی که در این عصر زندگی می‌کند، زمینه علاوه بر اینکه شامل تاریخ و طبیعت می‌شود، عواملی چون مسائل زیست‌محیطی و تکنولوژی را در برمی‌گیرد که به شدت با زندگی مردم این عصر ارتباط دارد. به همین دلیل او از مسئله عصر خود غافل نیست و می‌داند برای انسان امروز نمی‌توان فقط از عناصر تاریخی و یا سمبلیک استفاده کرد.

جمع‌بندی

پروو زمینه را در پس عوامل دیگر ندیده، بلکه تعریف جامعی که او از زمینه دارد، باعث



تصویر ۴: دو نوع طرح کاشت بیشه‌مانند و کاشت تک درخت، در پارک کورنو دیده می‌شود. عکس: سیده نفیسه موسویان، ۱۳۹۰.

Pic4: Two types of woods were created: some under the form of composite wooded squares with a shrub stratum, the others it monospecific patches. Photo by: Richard M Marshall. Photo by: Seyede Nafiseh Mousavian, 2012.

تصویر ۴

Pic 4



تصویر ۵: تپه‌های سبز در حکم نظرگاهی است که دسترسی به آن با پلکانی از جنس قلوه‌سنگ‌های موجود در سایت پارک کورنو، امکان‌پذیر است. عکس: سید محمدباقر منصوری، ۱۳۹۰.

Pic5: Stairs made of natural rubble of site provide access to belvedere. Photo by: Seyed Mohammad Bagher Mansouri, 2012.

تصویر ۵

Pic 5



تصویر ۶: در پارک کورنو ردپای پروو به عنوان طراح در ساخت احجام خالص، خطوط مورب و یا ایجاد نظرگاه در پارک دیده می‌شود. عکس: سید محمدباقر منصوری، ۱۳۹۰.

Pic6: Provost's footprint as the designer of park is defined by making pure volumes, belvederes and diagonal lines. Photo by: Seyede Nafiseh Mousavian, 2012.

تصویر ۶

Pic 6





شده تا زمینه را مجموعه‌ای از عوامل کالبدی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی ببیند و در نتیجه در زمره معماران منظر موفق قرار گیرد که، همواره علاوه بر توجه به اصول ابتدایی هر پروژه، طرحی نو آفریده که مورد توجه مردم قرار گرفته‌است. توجه به باغسازی غیررسمی دوره کوتاهی در فرانسه، به جای سبک مسلط باغسازی باروک این کشور، در پروژه پارک لاکورنو دیده می‌شود. دلیل علاقه مردم به حضور در چنین فضایی به دور از شهر پاریس با پلان هندسی و منظمش، می‌تواند تجربه بودن در گوشه‌ای از طبیعت سبک باغ‌های آزاد و غیررسمی انگلیسی باشد. شاید استفاده از جزئیات کم باغسازی و اصل قرارداد آنچه مردم از آن احساس رضایت بیشتری داشته‌باشند، مهم‌تر است، چرا که در پروژه منظر نسبت به معماری، مخاطبان از اهمیت بالاتری برخوردارند و عدم استقبال آن‌ها از فضا به مثابه شکست پروژه است. علاوه بر این، منظر به شدت به فرهنگ مردمانی وابسته است که از آن بهره می‌برند. ساخت یک فضای جمعی در یک بستر متفاوت با بستر دیگر به علت تغییر عوامل محیطی، فرهنگی و تاریخی باید متفاوت شود.

پروو با طراحی پارک لاکورنو در زادگاهش فرانسه، که از پروژه‌های اولیه اوست، توانست به خوبی ایده‌هایش را در طراحی یک پارک طبیعی شهری به نمایش بگذارد. با طراحی پارک سد تیمز در شهر لندن، با ویژگی‌های کاملاً متفاوت، پروو به خوبی نشان داد که زمینه‌گرایی می‌تواند به عنوان یک تکیه‌گاه در آغاز یک پروژه منظرین، با توجه به نگاه ویژه‌اش به مردمی که از آن بهره می‌برند، مورد توجه قرار گیرد. این توجه می‌تواند راهگشای مؤثری در روند طراحی یک پروژه منظر باشد ■

پی‌نوشت

۱. الکساندر پوپ (Alexander Pope): شاعر انگلیسی قرن ۱۸ میلادی که در سرودن آیینی‌های حماسی، شهرت دارد.
۲. کریستوف گیروت (Christophe Girot): معمار منظر معاصر فرانسوی.
۳. ایالت سن (Department Seine): ایالتی در فرانسه شامل شهر پاریس و حومه آن که در سال ۱۹۶۸ که به ۵ بخش تقسیم شد.
۴. هوسمان (Haussmann): شهردار قرن نوزدهم پاریس که در سالهای ۱۸۵۳ تا ۱۸۷۰ با ایجاد الگوی رسمی شهرسازی طرحی نو برای پاریس ارائه داد.
۵. ژیلبرت سامل (Gilbert Samel): معمار معاصر فرانسوی.
۶. هرم خوفو (Cheops Pyramid): قدیمی‌ترین و بزرگترین هرم از اهرام ثلاثه مصر.
۷. سد تیمز (Thames Barrier): دومین سد سیل گیر متحرک دنیا با دروازه‌هایی قابل چرخش بر روی رودخانه تیمز لندن که در نوار جنوبی مرکز شهر واقع است.
۸. پاتل تیلور (Patel Taylor): معمار معاصر انگلیسی.
۹. پارک همپ استد هس (Hampstead Heath): پارک طبیعی و قدیمی واقع در شهر لندن.
۱۰. باغ کیو (Kew gardens): باغ گیاهشناسی واقع در لندن به مساحت ۱۲۱ هکتار که در قرن ۱۸ توسط ویلیام چمبرز طراحی شد.

منابع

- تولایی، نوین. (۱۳۸۰). شکل شهر منسجم: مطالعه انسجام کالبد شهر در اندیشه و عمل، رساله جهت دریافت دکتری تخصصی شهرسازی، تهران، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- سوافیلد، سایمون. ر. (۱۳۹۰). نظریه در معماری منظر، ترجمه: محسن فیضی، مهدی خاک زند و سینا رزاقی اصل، تهران: انتشارات فرهنگ متین.
- شایان، حمیدرضا؛ عینی‌فر، علیرضا و دیبا، داراب. (۱۳۸۸). مفاهیم طراحی در زمینه بیگانه، تحلیل منطقه‌گرایی در آثار معماران غیر بومی در کشورهای مسلمان حوزه خلیج فارس، فصلنامه هنرهای زیبا (۲۸): ۴۹-۶۰.



تصویر ۷: پلان پارک سد تیمز. مأخذ: Racine, 2004.
Pic7: Thames Barrier Park, sketch of plan.
Source: Racine, 2004.



تصویر ۷

Pic 7



تصویر ۸ : خندق سبز پارک سد تیمز، یادآور دوره صنعتی گذشته است. عکس: بیژن پاسبان حضرت، ۱۳۹۰.

Pic8: A green trench running through the park is a reminder of the area's former industrial heritage. Photo by: Bijan Pasban Hazrat, 2012.

تصویر ۸

Pic 8



تصویر ۹ : باغ رنگین کمان در پارک سد تیمز، خرداقلیمی شامل یک سری نوارهای موازی از مسیورها و درختان است. عکس: بیژن پاسبان حضرت، ۱۳۹۰.

Pic9: Provost provides a sheltered microclimate for the "rainbow garden," a series of parallel strips of plantings and paths in Thames Barrier Park. Photo by: Bijan Pasban Hazrat, 2012.

تصویر ۹

Pic 9



تصویر ۱۰ : پارک سد تیمز، خندق میانی پارک با طرح کاشتی متفاوت از کل پارک و به صورت نوارهایی از ترون هرس شده و گل‌های وحشی رنگارنگ. عکس: بیژن پاسبان حضرت، ۱۳۹۰.

Pic10: A green trench running through the park with a series of parallel strips of plantings and paths. Source: Photo by: Bijan Pasban Hazrat, 2012.

تصویر ۱۰

Pic 10



nuance of life in landscape



تصویر ۱۲: موقعیت پارک سد تیمز در کنار پهنه وسیعی از رودخانه تیمز، تأثیر زیادی در ایجاد احساس آرامش دارد که به ندرت در پهنه شهرهای مهم مرکزی دیده می‌شود. عکس: بیژن پاسبان حضرت، ۱۳۹۰.

Pic12: Its location next to the vast expanse of the river Thames leaves you with a feeling of peace, openness, and freedom that is rare in the vast conurbation of London. Photo by: Bijan Pasban Hazrat, 2012.

تصویر ۱۱: پارک سد تیمز، استفاده از مصالحی چون بتن و چوب در سطوح وسیع و با رویکرد مینیمال، تا حدی حال و هوای پارک‌های مدرن را در ذهن تداعی می‌کند. عکس: بیژن پاسبان حضرت، ۱۳۹۰.

Pic11: Using materials like concrete and wood in vast surfaces with minimal approach remind modern parks. Photo by: Bijan Pasban Hazrat, 2012.

- Provost, A. (2000). *La courneuve, La parc*. Paris: Exhibitions International.
- Racine, M. (2004). *AllainProvost: Invented Landscapes*. Belgium: StichtingKunstboek.
- Rapaport, A. (1977). *Human Aspects of Urban Form*, New York: Program Press.
- Seine-Saint-Denis: Conseil General. (2008). *Historique du Parc départemental de La Courneuve* Available from: www.Parcs93.info.
- Shayan, H; Einifar, A & Diba, D. (2010), *Design concepts in alien context: Analyzing foreign architects works in Persian Gulf states from the perspective of regionalism*. Journal of fine arts, (28): 49-60.
- Tavallaei, N. (2002). *Shekl_e_shahr_e_monsajem*. published doctoral dissertation .Tehran: University of Tehran.



تصویر ۱۱

Pic 11

Context: guaranty of conti

The evaluation of Provost's design approach from Paris to London

Reyhaneh Hojjati, M.A in Landscape Architecture,
University of Tehran.
reyhane.hojjati@yahoo.com

Zohreh Shirazi, M.A in Landscape Architecture, University
of Tehran.
zohreshirazi@yahoo.com

Abstract: The contextual approach in landscape design is capable to consider what is beyond the form and physical features of the context and acknowledge the context as a set of physical, historical and cultural factors. In contextual studies three main fields of physical and socio-cultural are discussable; in physical contextualism the elements of the study are not assessed and studied alone, but they are analyzed in a wider environmental context. The historicists consider the continuity of history as an important principle and they believe that if a society isolates itself from its past, it has ignored the past efforts done by man. The socio-cultural contextualists believe that the culture creates rules and reflects them in different ways such as forms. A superficial look to the concept of contextualism leads to a degradation in meaning according to the surrounding body, while contextualism has a profound meaning beyond coordination with the physical features.

In Alain Provost's projects the contextual ideas are formed beyond the physical features of the context. He considers the context as a historical event that have been affected by the social and cultural aspect of life and embodied in the project. In other words, the context in his projects appears as a combination of physical, historical and social elements.

In case we confine his contextualism concepts to physical and historical features of the context, the Parc de la Courneuve and Thames Barrier Park are expected to be categorized in romantic English gardens, while the Parc de la Courneuve reminds the English landscaping with its bushes and in the Thames Barrier Park the geometric and square plan and the existing topiaries cannot be explained. In these mentioned parks the public memory, based on the culture and lifestyle of the people, has become a part of the context and shows Provost's awareness in using the context that includes factors beyond the history and the physics in order to relate to the culture of the people. For the modern man the context includes the nature and history as well as ecological and technological factors which are correlated to the modern life.

Provost acknowledges the context as a set of physical, historical, cultural and social factors in his comprehensive definition of the context.



It is important to emphasize on what provides more satisfaction to people in consequence of the fact that landscape architecture is highly associated with people for its people-oriented characteristic. This paper discusses Provost's contextual theory through an adaptive comparison of Parc de la Courneuve and Thames Barrier Park which were his first and last projects.

Keywords: Alain Provost, Physical Contextualism, Historicity, Socio-Cultural Contextualism, Courneuve Park, Thames Barrier Park.

References list

• Barker, D. (2002). *London's Thames Barrier Park*. Available from: www.architectureweek.com (ac-

cessed 25 November 2011).

- Colquhoun, A. (2007). *The concept of regionalism, architectural regionalism (collected writings on place, identity, modernity and tradition)*, New York: Vincent Canizaro, edPrinceton architectural press.
- Conrad, S. et al. (2011). *Modeling risk areas for Echinococcus multilocularis egg survival in an urban park in France*, Brazil: Anais XV Simpósio Brasileiro de Sensoriamento Remoto - SBSR, Curitiba, PR, Brasil, 30 de abril a 05 de maio de 2011, INPE p.5989.
- Feizi, M; Khakzand, M & RazaghiAsl, S. (2011), *Nazarie Dar Memari-e-Manzar, Translated from the English by Swaffield, Simon*. R.Tehran, Iran: Farhang-e-Matin publications (Original work published in 2002).
- Harvey Sh.; Fieldhouse, K. & Hopkins, J. (2005). *The Cultured Landscape Designing the environment in the 21st century*, London and New York: Routledge.
- Mimram, M. (2008). *Living within infrastructure*, Paris: Lafarge.